

گزارشی از ادامه پیکار کارگران در شرایط دشوار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم

مجاز جمهوری اسلامی در ارتباط با این موضوع، اخبار و گزارشات پراکنده ای منتشر می کنند که، نمایانگر اعتراضات شدید و واکنش های جدی در مراکز کارگری و صنعتی کشور است.

رسانه های همگانی از جمله گزارش داده اند که در اواسط شهریورماه سال جاری کارگران پیمانی کارخانه سیمان درود، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، دست از کار کشیدند. به علاوه این، کارگران تهدید شده اند که با اجرای سیاست صرفه جویی و بکارگیری پیمانکاران بخش خصوصی در این کارخانه، بزودی اخراج خواهند شد. در کارخانه چیت سازی بهشهر نیز، کارفرمایان اخطار کرده اند با اجرای به اصطلاح

ادامه در صفحه ۴

کارگران و زحمتکشان میهن ما و خانواده های آنها، بر اثر فشار توان فرسای ناشی از ورشکستگی مالی رژیم ولایت فقیه، در شرایط ناگواری قرار گرفته اند! صدها هزار کارگر در صنایع و واحدهای مختلف، ماه های متوالی ست که دستمزد خود را دریافت نکرده اند. در برابر این وضعیت، سران و مسئولان حکومتی، نه تنها مشکلات زحمتکشان را نادیده می گیرند، بلکه با تصویب و اجرای لوایح گوناگون عملاً منافع و آینده آنها را به طرزی خشن پایمال می کنند. اکنون در نتیجه عملکرد کارگر ستیزانه جمهوری اسلامی، نپرداختن دستمزدهای ماهیانه کارگران به پدیده ئی رایج بدل شده است. در برخی واحدهای تولیدی و مراکز کارگری حتی تا شش ماه است که دستمزدی پرداخت نکرده و خانواده های کارگری در فقر و نابسامانی بسر می برند. مطبوعات

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۴۴، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۱۹ آبان ماه ۱۳۷۷

شرکت در انتخابات شوراهای شهر و روستا يك وظیفه مهم، ملی و مترقی است

با اعلام وزارت کشور، انتخابات شوراهای شهر و روستا در روز هفتم اسفندماه در سراسر کشور برگزار خواهد شد، و شوراهای منتخب از فروردین ماه ۱۳۷۸ کار خود را رسماً آغاز خواهند کرد. تشکیل شوراهای، از اصول مهم مندرج در قانون اساسی است که زیر فشار نیروهای مترقی، در آغاز انقلاب، به روحانیون حاکم تحمیل شد. سران رژیم «ولایت فقیه»، بیست سال، به بهانه های گوناگون، از جمله جنگ ایران و عراق، مناسب نبودن شرایط سیاسی و غیره، از برگزاری انتخابات شوراهای شهر و روستا جلوگیری کردند، زیرا تشکیل چنین نهاد های مردمی ئی را در تضاد آشکار با ساختار استبدادی حاکمیت سیاسی خود می دیدند. ماهیت عمیقاً مردمی شوراهای، که نزدیک به دویست هزار تن از نمایندگان مردم در آن حضور خواهند داشت، و عدم توانایی ارتجاع حاکم به نظارت و کنترل کامل آنها، می تواند شوراهای شهر و روستا را به مراکز مهم و پر قدرتی در مبارزه برای دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی تبدیل کند.

بر اساس پیش بینی وزارت کشور بین هشتصد هزار تا یک میلیون نفر، نامزد عضویت در شوراهای شهر و روستا خواهند بود که از این میان، دویست هزار نفر با رأی مستقیم مردم انتخاب خواهند شد. بر اساس

ادامه در صفحه ۶

«افراد نابابی» به نام دانشجو

رما در دانشگاه ها چیزهایی می شنویم که گویا از اسلام در آنجا خبری نیست، ولایت فقیه جا نیفتاده است و افروان نابابی در آنجا وجود دارند - مشکینی، رئیس مجلس خبرگان

با بازگشایی مدارس و دانشگاه ها، محیط های آموزشی کشور بار دیگر به مراکز پرجنبش و جوش مبارزه بر ضد رژیم «ولایت فقیه» تبدیل شده است. برگزاری جلسات گوناگون، سخنرانی، راه پیمایی های اعتراضی، تحصن و صدور طومار های اعتراضی بر ضد انحصار طلبی و استبداد حاکم، در کنار تحریم وسیع انتخابات مجلس خبرگان از سوی اکثریت عظیم دانشجویان کشور، بار دیگر زنگ خطر جدی را در گوش سران رژیم به صدا در آورد، و سران مرتجع استبداد در هفته های اخیر باردیگر از ضرورت تشدید روند «اسلامی» کردن دانشگاه ها، و توجه به «وضع جوانان» سخن گفتند. ناطق نوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، چاره کار را پاکسازی مجدد دانشگاه ها می داند، و در دیدار با «دانشجویان بسیجی» این نظریه خود را چنین طرح می کند: «اگر بخواهیم جو دانشگاه ها حزب الهی باشد باید نیروها و کسانی که وارد دانشگاه ها می شوند بسیجی، نیروهای مخلص، معتقد و پایبند به ارزش ها باشند... با هزینه بیت

ادامه در صفحه ۶

خجسته باد سالگرد انقلاب
کبیر اکبر، سر فصل رهایی
انسان! در ص ۸

سخنی پیرامون رژیم «ولایت فقیه» و رابطه با آمریکا

با فرا رسیدن سیزدهم آبان، سالروز اشغال سفارت آمریکا در ایران، سران رژیم «ولایت فقیه» در اظهار نظرهایی گوناگون، بار دیگر مسأله رابطه با آمریکا را مطرح کردند، و در حالی که رسانه های گروهی جهان از تغییرات محسوس در تظاهرات امسال، از جمله آتش زدن پرچم آمریکا و کمزنگ شدن شعارهای ضد آمریکایی، خبر می دادند، سید علی خامنه ای، «ولی فقیه»، در دیدار با دانشجویان، بر ادامه سیاست های گذشته رژیم تأکید کرد. در پس پرده شعارهای «ضد امپریالیستی» سران رژیم در سال های اخیر، حقیقت دیگری نهفته است که محتاج بررسی دقیق تر است.

انقلاب بهمن ۵۷، فرایند مبارزه ی طولانی و خونباری بود که مردم ایران، از اوائل قرن بیستم، بر ضد سلطه امپریالیسم و استبداد آغاز کرده بودند. از آنجا که جامعه شناسی علمی، بویژه به لحاظ فکری - نظری، نقش اساسی در هدایت این مبارزه داشت، امپریالیست ها و واپسگرایان در سیمای هواداران آن، یعنی جنبش کارگری و کمونیستی ایران و پیشواز آن، حزب توده ایران، بزرگ ترین دشمنان خود و مدافعان استقلال واقعی ایران را می دیدند، و به شهادت تاریخ، چه قبل از انقلاب بهمن ۵۷، و چه پس از آن، جاده هیچ خیانتی به مردم و سلطه استبدادی ئی بدون ریختن خون کمونیست ها، هموار نشده است.

انقلاب بهمن ۵۷، با وجود وارد ساختن ضربات اساسی به منافع آمریکا در کشور ما و منطقه، به دلیل خیانت سران رژیم «ولایت فقیه» به آرمان های استقلال طلبانه مردم میهن ما، در نیمه راه متوقف شد و نتوانست رسالت تاریخی خود را با موفقیت به سرانجام رساند. زمانی که هدایت انقلاب نیازمند همکاری همه نیروهای واقماً ملی بود، سران رژیم «ولایت فقیه»، بر پایه دیدگاه های ارتجاعی، انحصار طلبانه و واپسگرایانه خود، ضمن اتخاذ شعارهای ضد امپریالیستی جنبش مردمی شرکت کننده در انقلاب، عملاً در راستای سیاست ها و خواست های امپریالیسم گام برداشتند. از مشارکت و اتحاد نیروهای ضد امپریالیست که بار اصلی مبارزه تاریخی و خونبار گذشته را بدوش کشیده بودند، جلوگیری کردند، و با اتخاذ سیاست های ماجراجویانه و جنگ طلبانه، همچون «صدور انقلاب اسلامی» و «استقرار امپراطوری اسلام»، از

ادامه در صفحه ۴

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد باردیگر ایران را محکوم کرد

منظور روزنامه جمهوری اسلامی از «ملت» را همان رهبران و اسپرگرا و ارتجاعی رژیم «ولایت فقیه» دانست و گرنه خلق های ایران در طی دهه های اخیر همواره بر ضد سرکوب آزادی ها و حقوق دموکراتیک و نقض حقوق بشر مبارزه کرده و می کند. انقلاب بهمن ۵۷ با شعار آزادی و سرنوشتی رژیم استبدادی شاهنشاهی، از عرصه های درخشان چنین مبارزه می است. نکته آخر اینکه «آداب و سنن فرهنگی» که روزنامه جمهوری اسلامی بر آن تاکید می کند و تلاش می کند تا آن را به عنوان آداب و سنن فرهنگی ملی میهن ما جا بزند برای هیچ کس پوشیده نیست. در این آداب و سنن فرهنگی!! که لاجوردی، جلا معروف لاجوردی، از مجریان طراز اول آن بود، شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی، از جمله تجاوز به زنان، دختران و پسران نوجوان پیش از اعدام، و اعمال ضد بشری همچون سنگسار کردن و یا قطع عضو و غیره امری طبیعی و «انسانی» است که سران رژیم «ولایت فقیه» به دلیل حفظ و اشاعه آنها باید برخورد ببالند.

• و این همه نمونه می از این «آداب و سنن فرهنگی» سران رژیم: بر اساس گزارش روزنامه همشهری، شنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۷۷، حمید رضا جلالی پور، رئیس هیأت مدیره روزنامه تعطیل شده توس، با ارسال نامه اعتراضی به رئیس قوه قضائیه نسبت به ارباب و بازجویی همسرش اعتراض کرده است. جلالی پور در این نامه اشاره کرده است که در مدت زندانی بودن او همسرش را تحت عنوان ملاقات با وی به زندان اوین آورده اند و با مرعوب و مضطرب کردن او از وی خواسته اند به پرسش هائی نظیر آیا «شوهرتان نماز می خواند؟، آیا شوهرتان در زمان تحصیل در خارج گوشت ذبح اسلامی می خورد؟ و...» پاسخ دهد. جلالی پور در این نامه از رئیس قوه قضائیه می پرسد: «آیا برای دفاع از امنیت ملی می بایست حرم خانواده های اهل قلم را شکست؟»

مستولین حوزه علمیه قم که از سوی صدا و سیما اعلام شدند، عاری از حقیقت است. منتخب نیا در این باره می گوید: «آقایان ابتدا اعلام کردند انتخابات خبرگان، انتخاباتی نیست که با آب و نان مردم سروکار داشته باشد... بعد که صلاحیت هارد شد، آقایان دیدند مردم انگیزه حضور ندارند و از تمامی امکانات موجود برای شرکت مردم بهره گرفتند... آقایان برای ایجاد انگیزه بین مردم از هر شخصیتی استفاده کردند از شخصیت های سیاسی، مذهبی و حتی کسانی که سالهای سال ممنوع تصویر بودند. به آنها اصرار کردند که مصاحبه کنند تا مردم آنها را ببینند و متأسفانه در برخی موارد هم دچار خلاف شدند که افرادی که مصاحبه نکرده بودند و آنها را به عنوان مصاحبه کننده عنوان نمودند. مثال روشن آن جناب آقای محتشمی می گویند من مصاحبه نکرده بودم ولی ایشان را به عنوان اینکه مصاحبه کرده و مردم را به انتخابات دعوت نموده است مطرح نمودند. من شنیده ام برخی از بزرگان قم هم تکذیب کردند.» منتخب نیا در جای دیگری از مصاحبه خود ضمن طرح اینکه تعدادی از نمایندگان ائتلاف طرفداران خاتمی به مجلس خبرگان راه پیدا کرده اند، درباره برخی از نمایندگان سرشناس جناح راست و شکست آنان در انتخابات چنین می گوید: «در شیراز با آن همه تبلیغات وسیعی که گروهها داشتند آقایان دستغیب و آقای ارسنجانی رأی خوبی آوردند و از آن طرف آقای حایری شیرازی که نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه است و چند دوره در مجلس خبرگان بوده رأی نمی آورد در استانهای دیگر همینطور شاخص را می بینیم.»

کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد، گزارش مورس کاپیتورن، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر درباره ایران را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه داد. بر اساس این گزارش، رژیم «ولایت فقیه» باردیگر به دلیل زیر پا گذاشتن حقوق بشر، از جمله در مورد حقوق زنان، آزادی ها و حقوق دموکراتیک، از جمله آزادی مطبوعات و آزار و شکنجه زندانیان سیاسی مورد سرزنش و نکوهش قرار گرفته است. روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۳ آبان، انتشار این گزارش در آستانه مجلس خبرگان را «توطئه استکبار جهانی» دانست و به شدت از وزارت امور خارجه به خاطر بی عملی در مقابل انتشار این گزارش انتقاد کرد. به گفته روزنامه جمهوری اسلامی «اتهامات یکسان بعضاً حتی با جملات مشابه جملات گزارشات قبلی، عیناً تکرار شده و در واقع هدف واحدی را تعقیب کرده و می کنند. هدف آنست که چهره مخدوشی از وضعیت حقوق بشر در ایران به تصویر کشیده شود.» محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه، نیز در عکس العمل مشابهی که خبر آن در روزنامه جمهوری اسلامی، پنجشنبه ۱۴ آبان ماه، درج شده است، گفت: «حقوق بشر در سازمان ملل به ابزار سیاسی مبدل شده است.» هیچ کدام از سران رژیم به این نکته پاسخ ندادند که اگر حقوق بشر در ایران رعایت می شود، چگونه است که حتی برخی از مدیران و نزدیکان حکومتی از جمله شهرداران تهران، و یا روزنامه نگاران بدون هیچ مجوز قانونی دستگیر می شوند، به سلول های انفرادی برده می شوند و تحت شکنجه های جسمی و روانی قرار می گیرند. روزنامه جمهوری اسلامی در پایان مقاله خود می نویسد: «چه کسی فراموش کرده است که ایران برای دو دهه همواره در فهرست همیشگی استکبار در مورد ادعای نقض حقوق بشر بوده است» و در توجیه شکنجه و نقض حقوق بشر اضافه می کند: «این موارد [منظور موارد نقض حقوق بشر مانند شکنجه های وحشیانه زندانیان، بی حقوقی زنان، سرکوب دگراندیشان و غیره است] کاملاً منطبق بر آداب و سنن فرهنگی و معیارهای مذهبی مورد اتفاق ملت است.» البته

در حاشیه انتخابات مجلس خبرگان

سه هفته پس از برگزاری انتخابات مجلس خبرگان، که با تحریم اکثریت رأی دهندگان روبرو شد، موضوع انتخابات مجلس خبرگان و اثرات آن، هنوز از مسائل اساسی است که مورد نقد و بررسی مطبوعات مجاز ایران است. روزنامه «جهان اسلام»، در مقاله می پیرامون انتخابات خبرگان، در شماره چهارشنبه ۶ آبان خود نوشته است: «آیا تحریک بیش از حد عواطف به سلامت انتخابات لطمه نمی زند؟ آیا در شرایطی که با تعبیرهای هیجان آلود چنین اقامه می شود که گویی حیات اسلام و انقلاب در گرو هر برگ رازی در این انتخابات است نباید بیم داشت شماری از لشکر انبوه مجریان انتخابات دچار بی تقوایی شوند؟ [و صندوق را برای نجات اسلام از آراء تقلبی پر کنند؟]... درست است که با این تبلیغات بر شمار شرکت کنندگان افزوده ایم و شاید آن را به عنوان توسعه مشارکت تفسیر کنیم، اما نباید فراموش کرد که بیش از نیمی از حائزین شرایط - به رغم این هیاهو - از شرکت دریغ کردند. به راستی آیا می توان نزدیک به ۲۰/۰۰۰ ایرانی را مخالف اسلام، امام، انقلاب و رهبری قلمداد کرد.»

• روزنامه سلام، ۱۷ آبان ماه ۱۳۷۷، نیز مصاحبه مفصلی دارد با منتخب نیا، عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز، که در این مصاحبه نکات جالبی درباره تبلیغات دروغ صدا و سیما جمهوری اسلامی، در آستانه انتخابات مجلس خبرگان، افشاء شده است. به گفته منتخب نیا، شماری از اعلام دعوت های سران دولت و



«ضرورت همبستگی میان

اپوزیسیون داخل و خارج»

بر اساس گزارش ماهنامه «صبح»، داریوش فروهر، رهبر حزب ملت ایران، در مصاحبه می ضمن ارزیابی اوضاع کشور و مواضع گروه های مختلف مخالف رژیم از جمله گفته است: «اپوزیسیون داخل کشور هنوز به همبستگی نرسیده و در حال حاضر دو نوع اپوزیسیون درون را در جمهوری اسلامی ایران است که چهارچوب قانون اساسی را پذیرا هستند و دیگر اپوزیسیونی که قانون اساسی را قبول ندارند و می گویند این قانون اساسی با مردم سالاری جور در نمی آید و این بیرون زاست... فضای سیاسی در ایران کمی باز تر شده ولی افسوس که در ایران هنوز هماهنگی لازم بین گروهها به وجود نیامده است، فضای باز سیاسی، به نسبت پدید آمده، و باور من این است که در برابر فشار مردم مصلحت اندیشی کرده اند ولی گروهی از دوستان ما که نام ملی دارند، باور دارند که وجود آقای خاتمی و در صحنه بودن وی، مسبب این آزادی ها شده و به همین دلیل برایش نامه سرگشاده می دهند و از وی تقاضا می کنند. من نمی گویم او مانند دیگران است ولی به هر حال در چهارچوب این قانون اساسی و این رهبری و این نهادهای و اسپرگرا حرکت می کند.»

طرح «بی سرو صدا» و کم خرج

بر اساس گزارش روزنامه های مجاز، نمایندگان جناح «دوب در ولایت» مجلس، دست اندر کار تهیه و تصویب طرحی هستند که بر اساس آن کار استیضاح وزرای بسیار سهل و ساده خواهد شد. بر اساس این طرح، که از سوی چهل نفر از نمایندگان مجلس امضاء شده است «هرگاه کمیسیون اصل ۸۸ و ۹۰ مجلس نسبت به یک وزیر سه بار سئوالات انجام شده از سوی نمایندگان را وارد بدانند و جواب وزیر را قانع کننده تشخیص ندهد آن وزیر برای ادامه کار، باید پس از ده روز مجدداً از مجلس رأی اعتماد بگیرد.» به گفته بسیاری از طرفداران دولت، این طرح با هدف عزل وزرا، بدون سرو صدای تبلیغاتی، تهیه و تنظیم شده است، و در صورت تصویب مجلس، دشواری های جدی جدیدی را در کار روزمره دولت ایجاد خواهد کرد. به گفته روزنامه همشهری «ارائه این طرح غیر ضروری راهی برای فرار از جواب گویی نمایندگان به افکار عمومی در قبال استیضاح وزیران است... یکی از نمایندگان امضاء کننده این طرح در پاسخ به این پرسش که چرا از اهرم استیضاح استفاده نمی کنید، گفت: «استیضاح بار سیاسی و جناحی دارد در حالی که این راه سر و صدایی ایجاد نمی کند.»

ادامه گزارشی از پیکار کارگران ...

سیاست صرفه جویی در شرایط ورشکستگی مالی دولت، عده ئی از کارگران اخراج می شوند.

در اواسط مهرماه امسال، روزنامه کار و کارگر گزارش داد که کارگران پیمانی پالایشگاه آبادان که قرار است اخراج شوند، با امضاء نامه ئی خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام داشته اند که، در صورت عدم رسیدگی به خواسته هایشان، به ویژه درخواست اصلی یعنی جلوگیری از اخراج و پرداخت بموقع حقوق ماهیانه، دست به اعتصاب غذای نامحدود خواهند زد. در شماره های گذشته نامه مردم، خبر اخراج بالغ بر ۱۲۰۰ کارگر پیمانی پالایشگاه آبادان درج شده بود. مسئولان صنعت نفت اکنون با واگذاری بخشی از امور تولیدی پالایشگاه به بخش خصوصی، دستور اخراج کارگران را اعلام داشته اند.

نکته بر اهمیت در مبارزه نفتگران پالایشگاه آبادان این است که، نفتگران در پالایشگاه های تهران، اصفهان و تبریز تاکید کرده اند، از کارگران پیمانی حمایت می کنند، و در صورت اجرای سیاست خصوصی سازی و اخراج، دست به اعتصاب گسترده خواهند زد. همین روزنامه کار و کارگر در تاریخ ۱۸ شهریورماه خبر داده بود که کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان، که از زمره بزرگ ترین کارخانه های صنایع نساجی ایران است، با تجمع در محوطه این کارخانه خواستار دریافت دستمزدهای معوقه خود شده اند. این کارخانه بزرگ و با اهمیت، طی سال جاری، با رکود شدید روبه رو گردیده است، و خطر اخراج گروهی از کارگران در آن فوق العاده جدی ست.

در شهر زنجان، در اواخر شهریور، گروهی از رانندگان وابسته به شرکت خصوصی خدماتی، به دنبال لغو قرارداد یک ساله آنها از سوی شرکت مذکور، که سبب بیکاری این رانندگان زحمتکش می شود، در مقابل دفتر شرکت تجمعی اعتراضی دست زدند. شرکت حمل و نقل و خدمات در زنجان اعلام کرده است که به دلیل مشکلات مالی قرارداد ۱۵۰ راننده لغو می شود. این رانندگان به لحاظ مالی در وضعیت اسف باری قرار دارند. کارگران مبارز و قهرمان شرکت شفاورد تالش در استان گیلان، بار دیگر اعتصاب سازمان یافته و برنامه ریزی شده ای را بر پا کردند. کارگران ضمن تجمع در محوطه کارخانه و انبارهای آن به افشای مدیریت کارخانه دست زدند. سیاه پاسداران، محوطه کارخانه را محاصره کرده و مانع ارتباط کارگران اعتصابی با اهالی منطقه شد. کارگران شرکت شفاورد گیلان، بیش از ۴ ماه، دستمزدی دریافت نکرده اند و مدیریت نیز اعلام داشته که به دلیل بحران اقتصادی، امکان کاهش هزینه ها و از جمله اخراج بعضی از کارگران وجود دارد. اعتصاب شرکت شفاورد به دلیل اتحاد، همبستگی و برنامه ریزی در آن، فوق العاده پرازش محسوب می گردد.

کارگران دو کارخانه در شهر رشت، در اوایل مهرماه، دست به اعتصاب و راه پیمانی زدند. کارگران شرکت تولیدی ایران جیکا واقع در رشت، که عمده کارگران آن را زنان تشکیل می دهند، بیش از پنج ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. روزنامه کیهان به تاریخ ۹ مهرماه نوشت: «کارگران شرکت تولیدی ایران جیکا که اغلب زن هستند در اعتراض به وضعیت زندگی خود در برابر استانداری گیلان به راه پیمایی پرداختند.» در شرکت الکترونیک رشت نیز کارگران با اعلام اعتصاب، خواستار پرداخت دستمزدهای عقب افتاده خود شده اند. معدن کاران مبارز، معدن ذغال سنگ جیرنده قزوین، در اوایل مهرماه یک اعتصاب متحد و متشکل را سازمان دادند. کارگران این معدن نزدیک به چهار ماه حقوقی دریافت نکرده اند. اعتصاب معدنکاران معدن جیرنده یک هفته ادامه داشت. علاوه بر اینها، در اوایل مهرماه، نفتگران منطقه کبودکوه در آبدانان استان ایلام، که تحت پوشش شرکت ملی نفت ایران منطقه اهواز اداره می شود، در اعتراض به خطر اخراج، و نیز عدم دریافت دستمزدهای خود، اعتصاب کردند. در چاه شماره یک کبودکوه، اغلب کارگران استخدامی موقت هستند، و با وجود اینکه سال هاست به کار مشغول اند، مسئولان شرکت ملی نفت از امضاء قرارداد رسمی و دائمی با آنها طفره می روند. کارگران اعلام داشته اند که در صورت عدم پاسخگویی مسئولان، تولید و استخراج را در این منطقه تعطیل خواهند کرد.

رانندگان شرکت نفت در شهر زنجان نیز در روز چهارشنبه اول مهرماه، در ارتباط با قراردادهای خود و عدم پرداخت حقوق در موقع مقرر، دست به اعتراض زده، و طی نامه ئی خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. رانندگان شرکت نفت به اعتصابی نامحدود در شهر زنجان تهدید کرده اند. به علاوه، در شهر زنجان با تعطیلی کارخانه نورد مس، تمامی کارگران آن به صف بیکاران پیوسته اند. به کارگران بیکار کم ترین پولی پرداخت نگردید. گزارشات مختلفی

نیز از تنش در کارخانجات مجتمع صنعتی ملی کفش ملی به بیرون درز پیدا کرده است. کارگران قهرمان گروه صنعتی ملی، طی سال گذشته و امسال، اعتصاب با شکوهی را سازمان داده بودند. اکنون کارگران در برخورد با مدیریت کارخانه و رژیم، به شیوه کم کاری برنامه ریزی شده متوسل شده اند. انجمن اسلامی و حراست، رسماً کارگران را تهدید کرده اند که با ادامه کم کاری و یا اعتصاب، شدیداً با آنها برخورد خواهد شد.

روزنامه کار و کارگر در روز ۱۴ مهرماه گزارش داد که فقط در ششماه اول سال جاری، بیش از چهار هزار تن از کارگران شاغل در استان فارس از کار بیکار شده اند. استاندار استان فارس چندی پیش در همین ارتباط گفته بود که به دلیل کمبود شدید منابع مالی و وسعت بحران اقتصادی، بیش از پنجاه واحد تولیدی در این استان تعطیل شده اند، و کلیه کارگران آنها به صفوف بیکاران پیوسته اند. ورشکستگی مالی، علاوه بر کارگران شاغل، زحمتکشان بازنشسته را نیز تحت فشار شدید قرار داده است. در شهرهای اصفهان، کاشان و همدان، گروه هایی از زحمتکشان بازنشسته در اعتراض به وضعیت معیشتی خود، طومار هائی را به امضاء رسانده و تاکید کرده اند که در صورت ادامه فشار مالی به آنان در شهرهای خود راه پیمایی خواهند کرد.

همچنین از مبارزه کارگران در مقابله با طرح دولت مبنی بر لغای قانون کار در برخی از مراکز کارگری و عدم اجرای آن در کارگاه های ده نفر به پایین، گزارشات متعددی در دست است. کارگران در استان های آذربایجان شرقی، فارس، اصفهان، خوزستان و در شهرهای تهران، مشهد، اراک، قزوین، ساوه، بندرانزلی، قائم شهر و سمنان حرکات اعتراضی مختلفی را با ابتکارات متفاوت، سازمان داده اند. تمامی این حرکات اعتراضی، حاکی از آنست که کارگران و زحمتکشان تحت شرایط سخت و فوق العاده دردناکی به سر می برند، و نیز خواست روشن و جدی آنان را برای حل مشکلات و بهبود اوضاع کنونی ثابت می کند، و این در حالی است که رژیم ولایت فقیه کاملاً به حقوق آینده و زندگی کارگران بی اعتناست. مجلس شورای اسلامی در مصوبه خود که چندی پیش صادر شد برای تامین کسری بودجه نزدیک به حدود بیست هزار میلیارد ریالی دولت در سال جاری، راه حل هائی را ارائه کرده است که نه تنها بحران را تخفیف نمی دهد، بلکه آن را ژرفتر می بخشد، و در نتیجه زندگی و امنیت شغلی کارگران باز هم طعمات بیشتری دیده و پایمال می گردد. در راه حل تامین کسری بودجه - یعنی استقرار از بانک مرکزی و کاستن از هزینه های بودجه عمرانی - به افزایش شدید تورم و رکود جدی در صنایع و بیکاری گسترده منجر خواهد شد، و باز هم میلیون ها کارگر و خانواده آنها طعمه فقر، نیستی و تیره روزی می شوند. اما در سوی دیگر این معادله، دلان، کارفرمایان بخش خصوصی و کارپردازان معمم و مکلائی رژیم ولایت فقیه فربه و فربه تر می گردند. ده ها بنیاد فاسد و غارتگر مانند بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، کمیته امداد امام خمینی و جز اینها، کوچک ترین و کم ترین هزینه ئی برای تامین کسری بودجه دولت نخواهند پرداخت، و اصولاً در برابر هیچ مرجع قانونی پاسخگو نیستند. بازاریان «محترم» در کنف حمایت «قانونی» سران رژیم، سودهای هنگفت به دست می آورند و هیچ فشاری برای «صرفه جویی»، «مهار بحران» و... از سوی هیچ یک از مراکز حکومتی به آنها وارد نمی شود. به گفته وزیر اقتصاد دولت خاتمی، تجار «محترم» بازار، این مدافعان پر حرارت ولایت مطلقه فقیه، در طول سال گذشته چیزی کمتر از ۹ درصد مجموع مالیات را به دولت پرداخته اند!!!

کوتاه سخن، باتوان فرسای بحران اقتصادی برشانه های کارگران و زحمتکشان و خانواده های آنها سنگینی می کند و رژیم ولایت فقیه از بحران موجود و نیز ضعف سازمان دهی و تشکل در جنبش کارگری ایران سوء استفاده می کند. رژیم نیک می داند که در اوضاع کنونی که جنبش کارگری با وجود اعتراضات گوناگون در موضع تدافعی قرار دارد، بهترین فرصت برای اجرای سیاست خصوصی سازی، اخراج کارگران، تغییر قانون کار به سود سرمایه داران و غیره، فراهم است، و به همین جهت شاهد هستیم که قوانین و مصوبات ضد کارگری بی در پی به اجرا در می آید. موج نوین اخراج کارگران پیمانی در صنایع مختلف، آغازی برای یورش گسترده به جنبش کارگری پرتوان ایران است. کارگران پیمانی در صنعت نفت و صنایع نساجی، نخستین قربانیان این توطئه رژیم ولایت فقیه اند. جنبش کارگری ایران، با توجه به سنن، و سابقه طولانی مبارزه، و بی گمان در جهان نمونه وارااست، بدون تردید به مدت طولانی در موضع تدافعی باقی نخواهد ماند. اوضاع سیاسی-اجتماعی جامعه آستان حوادث ایران، زمینه لازم و کافی را برای آغاز دوباره مبارزات تعرضی طبقه کارگر ایران فراهم می سازد. سیر حوادث و رخدادها نشان می دهد که جنبش کارگری آماده مصاف و رودروئی جدی با رژیم ولایت فقیه است. برای آغاز و ادامه این مبارزات، وجود تشکل های مستقل و بیکار جو صنفی و سطح معینی از سازمان دهی، اتحاد و همبستگی ضرورت مبرم دارد. در عین حال، بیوند نزدیک تر طبقه کارگر با حزب رزمنده آن، یعنی حزب توده ایران، شرط غیر قابل انکار برای کامیابی در پیکار سرنوشت ساز آینده است. آینده میهن ما با نیروی قاطع کارگران و زحمتکشان ایران ارتباط ناگسستی دارد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه سخنی پیرامون رژیم «ولایت فقیه» و ...

یک طرف بهانه لازم را به امپریالیسم آمریکا دادند تا به طور گسترده بی در منطقه حضور نظامی پیدا کند، و از طرف دیگر با سرکوب خوتین نیروهای آزادی خواه، ملی و دموکراتیک و تصفیه مخالفان در داخل حکومت، رژیم استبدادی «ولایت فقیه» را بر میهن ما تحمیل کردند. سران رژیم «ولایت فقیه»، با ادامه جنگ خانمان سوز ایران و عراق - پس از پیروزی ایران در خرمشهر و در حالی که ارتش شکست خورده عراق آماده پذیرش شرایط ایران برای صلح بود - و معاملات پنهانی با دلان اسلحه، نمایندگان مستقیم و غیر مستقیم شرکت های اسلحه سازی آمریکا، انگلیس و اسرائیل، بر بخش عظیمی از منابع و ثروت های ملی میهن ما چوب حراج زدند، و با برجا گذاشتن یک میلیون کشته و معلول جنگی از میان توده های جوان که قادر بودند منشاء تحولات تاریخ ساز در بازسازی مستقلانه اقتصاد کشور باشند، ضربات جبران ناپذیری به ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه وارد ساختند. ادامه همین سیاست «جنگ جنگ تا پیروزی» سران رژیم بود که شرایط بازگشت نظامی امپریالیسم، خصوصاً امپریالیسم آمریکا، به منطقه را هموار کرد، و خلیج فارس باردیگر به اشغال نظامی ناوگان های امپریالیستی درآمد.

افزون بر این، رژیم «ولایت فقیه»، در دهه هشتاد میلادی، نقش فعالی در کمربند «سبز اسلامی» امپریالیسم آمریکا، بر ضد اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم در منطقه ایفاء کرد. شرکت فعال رژیم در جنگ اعلام نشده امپریالیسم بر ضد دولت دموکراتیک افغانستان و کمک های نظامی، مالی و سیاسی، به مزدوران سیا ساخته، از قماش طالبان - که امروز «ولی فقیه» رژیم آنان را مثنی جنایتکار که باعث «بدنامی اسلام» شده اند می داند - در راستای پیاده کردن نقشه های شوم امپریالیسم و ارتجاع در منطقه اثرات فاجعه باری برای مردم منطقه، خصوصاً مردم افغانستان بار آورد.

با فروپاشی اتحاد شوروی، عقب گرد انقلاب ایران، و حرکت امپریالیسم به سمت استقرار «نظم نوین جهانی»، معادلات نوینی در عرصه سیاست جهانی پدید آمد که توجه به آن از اهمیت جدی برخوردار است. آمریکا، با درآمد سرانه بی برابر با هفت تریلیون دلار، که یک و نیم تریلیون دلار بیش از کل کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و چهار تریلیون دلار بیش از دومین قدرت اقتصادی جهان، یعنی ژاپن است، توانسته در نبود اردوگاه سوسیالیسم نفوذ بیش از پیشی را در اکثر مراکز و موسسات مالی و تجاری جهان به دست آورد.

بودجه نظامی پنتاگون، پس از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم، به سیصد میلیارد دلار در سال افزایش یافته است، و گسترش ناتو بدون وقفه ادامه دارد. آمریکا در اکثر مناطق استراتژیک جهان دارای پایگاه نیرومند نظامی است و تنها در منطقه خاورمیانه سالانه رقمی نزدیک به پنجاه و پنج میلیارد دلار هزینه صرف نگهداری تجهیزات و پایگاه های نظامی خود می کند. در چنین شرایطی است که امپریالیسم آمریکا خواهان تأمین بی چون چرای سلطه خود بر تمامی منطقه است، و نیز خواهان حکومت هائی است که بی چون و چرا حافظ منافع آن باشند. رشد بنیادگرایی اسلامی در منطقه، و تهدید آن بر ضد رژیم های وابسته همچون عربستان سعودی، کشورهای عرب نشین حاشیه خلیج فارس، مصر، اردن، و مشکلاتی که از سوی این بنیادگرایی در روند صلح تحمیلی آمریکا-اسرائیل در منطقه ایجاد شده است، از جمله مسائلی است که امپریالیسم خواهان «حل» نهائی آن است. بنیادگرایی که در گذشته بی نه چندان دور، به عنوان حربه بی مؤثر در کارزار کمونیست ستیزی در منطقه از پاکستان، افغانستان، ایران گرفته تا دیگر کشورهای دیگر خلیج فارس به کار گرفته می شد، امروز مزاحمتی است که ادامه آن، در اشکال گذشته، دیگر نفع چندانی برای امپریالیسم ندارد.

نکته قابل توجه دیگر اینکه، امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، بخوبی می داند که استقلال سیاسی، بدون استقلال اقتصادی، در دراز مدت قابل دوام نیست و سرانجام وابستگی اقتصادی به وابستگی سیاسی منجر خواهد شد. در راستای چنین درکی است که ما بیش از پیش شاهد گسترش و تشدید روند وابستگی اقتصادی رژیم «ولایت فقیه» به کشورهای امپریالیستی بوده و هستیم. اجرای اوامر و سیاست های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی توسط دولت رفسنجانی - در سال های پس از پایان جنگ ایران و عراق - و ثمرات فاجعه بار این سیاست ها در حیات اقتصادی - اجتماعی کشور، از اثرات آشکار چنین روندی در کشور ماست. گسترش روابط ایران با کشورهای اروپایی و ژاپن، در سال های اخیر، در حدی بوده است که اقتصاد میهن ما به طور روز افزونی به روابط اقتصادی با این کشور ها وابسته شده است، و درست بر همین اساس است که کشورهای غربی مدعی اند که با استفاده از اهرم های اقتصادی می توانند فشارهای لازم سیاسی بر ایران برای تعدیل سیاست های حمایت از بنیادگرایی اسلامی در منطقه، را اعمال کنند. در همین زمینه جالب توجه است که، با وجود محکوم شدن سران رژیم «ولایت فقیه»، از جمله شخص «ولی فقیه» و رفسنجانی در دادگاه میکونوس در ارتباط با صدور فرمان ترور رهبران جنبش کرد در آلمان، و با وجود فشار شدید افکار عمومی کشورهای اروپایی به دولت های خود جهت اتخاذ موضع در مقابل این اعمال، کشورهای اروپایی حتی با وجود فراخواندن سفرای خود از ایران - برای دورانی

کوتاه به سیاست های اقتصادی گسترده و همه جانبه خود با ایران ادامه دادند. نفوذ اقتصادی وسیع کشورهای اروپایی و ژاپن در ایران، و متضرر شدن شرکت های آمریکایی از این بابت، از جمله مسائلی بوده است که در سال های اخیر مورد اعتراض دولت آمریکا بوده است. کنگره آمریکا، در اوائل سال ۱۹۹۵، لایحه تحریم اقتصادی و در اواسط سال ۱۹۹۶، قانون «داماتو» را جهت فشار بر اروپا، ژاپن و روسیه به تصویب رساند. مسأله بی که بعداً - زیر فشار شدید کشورهای عضو بازار مشترک اروپا - در کنفرانس گروه هفت کشور صنعتی جهان عملاً به حالت تعلیق درآمد.

برخی استراتژی شناس های آمریکا، از جمله برژینسکی و ریچارد مورفی، از مدت ها قبل، ضمن دفاع از سیاست نزدیکی اقتصادی آمریکا با ایران، و با آگاهی کامل از وضع بدشد نابسامان و بحرانی رژیم ایران و روند سازش طلبانه بی که در زمان رفسنجانی و با توافق «ولی فقیه» آغاز شده بود، این نظر را مطرح می کردند که ظاهر سازی ضد آمریکایی رژیم «ولایت فقیه» با فشارهای همه جانبه اقتصادی و سیاسی آمریکا و اروپا، بسادگی جای خود را به «واقع بینی» تسلیم طلبانه خواهد داد، و استقرار رژیم بی که به «هنجار های بین المللی» احترام بگذارد و نظم «نوین جهانی» آمریکا در منطقه را بپذیرد، اگر چه قدری طولانی، ولی دور از دسترس نیست.

مسأله دیگری که توجه به آن نیز ضرور است، موضوع «رابطه با آمریکا» در تحولات سیاسی داخلی ایران و درگیری های جناح های مختلف حکومتی است. واقعیت این است و لا اقل تجربه ده سال اخیر بارها نشان داده است که، موضوع رابطه با آمریکا، همواره چون توپ فوتبالی از سوی جناح های مختلف رژیم برای تأمین منافع سیاسی این جناح ها، مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه مشخص چنین عملکردی را می توان در آستانه انتخابات دوم خرداد ماه در ایران مشاهده کرد: جناح راست رژیم، با هدف تحریک احساسات ملی مردم، جناح مقابل را به سازش با آمریکا متهم می کرد، و روزی نبود که در تبلیغات انتخاباتی خود بر این مسأله انگشت نگذارد که، در صورت پیروزی جناح مقابل خطر سازش با «شیطان بزرگ» وجود دارد. همه این تبلیغات در شرایطی صورت می گرفت که محمد حواد لاریجانی، از چهره های سرشناس جناح راست و از نزدیکان سید علی خامنه ای، در لندن مشغول دیدارهای مخفی با نمایندگان دولت انگلیس بود و به امپریالیسم قول همکاری های نزدیک و عادی شدن روابط را می داد.

واقعیت این است که، جناح های مختلف رژیم، اکنون مدت هاست به این نتیجه رسیده اند که برای ادامه بقای «نظام اسلامی» نیازمند عادی سازی روابط با آمریکا هستند، و شعارهای عوام فریبانه ضد آمریکایی تنها به عنوان ابزاری زنگ زده برای از میدان بدر کردن رقیب مورد استفاده قرار می گیرد. روزنامه کار و کارگر، در پاسخ به حملات جناح حاکم، به روشنی به این حقیقت اعتراف می کند که: «اولاً کیست که نداند مسائلی همچون نویسنده مرتد کتاب آیات شیطانی، آمریکا و رژیم صهیونیستی قطعاً از مواردی نیستند که در حیطه یک وزارت خانه تصمیم گیری و تصمیم سازی بشوند [به عبارت روشن تر، از آنجائی که تعیین خطوط اساسی سیاست خارجی ایران از موارد اختیارات «ولی فقیه» است، این سیاست ها با نظر و موافقت او اتخاذ شده اند] ثانیاً کسانی که در گذشته در مقابل انواع و اقسام اظهارات وزارت خارجه سابق در این مورد سکوت کرده بودند امروز هیاهو راه می اندازند. اگر به مواضع وزیر امور خارجه دقت شود گفته های ایشان هیچ تفاوتی با مواضع وزیر امور خارجه سابق ندارد.»

مردم ما رژیم «ولایت فقیه» را محصول خیانت به آرمان های انقلاب خود می دانند و مدت هاست به این حقیقت پی برده اند که، این رژیم استبدادی در شرایط بسیار بغرنج و پیچیده جهانی فاقد هرگونه لیاقتی برای اتخاذ سیاست خارجی مستقلانه، مدبرانه و صلح طلبانه است. بی جهت نیست که مادلین آلبرایت، بدون کوچک ترین عقب نشینی از منافع برتری طلبانه آمریکا، اعلام می کند که «روابط آرام ما با ایران وارد مرحله جالبی شده است... ما همواره بر این اعتقاد بوده ایم که بهبود روابط ما با ایران به شکیبائی احتیاج دارد و وقت می گیرد. ما ضمن پشتیبانی از تحولات مثبت در دولت خاتمی، همچین اقداماتی را که بنظر ما لازم است ایرانی ها در مسیر عادی سازی مناسبات به عمل آورند مشخص ساخته ایم و سیاست ما در مورد عبور لوله های نفت و گاز از مسیر ایران تغییر نخواهد کرد.»

مردم ما به خوبی می دانند که در پس پرده شعارهای بظاهر تند «ولی فقیه»، در مورد رابطه با آمریکا، چیزی جز عوام فریبی و ملاحظاتی جبهه ای و گروهی نهفته نیست، و روند واقعی حرکت سیاست خارجی رژیم «ولایت فقیه» بر منافع ایران متکی نبوده و نمی تواند باشد. برقراری روابط عادلانه با همه کشورهای جهان، در شرایط بسیار بغرنج و دشوار بین المللی، امری است که تنها یک حکومت واقعاً ملی با پشتوانه مردمی می تواند از عهده آن برآید، و نه حکومتی ارتجاعی و واپسگرا که تنها هدفش ادامه استبداد در میهن ماست.

مجلس فرمایشی و راه حل کسر بودجه دولت

به هرترتیب، پس از قدرت نمائی باند رسالت، لایحه اصلاحی دولت تغییر داده شد، و نظر مجلس که البته تفاوت ماهوی با طرح دولت ندارد، به تصویب رسید. این طرح از بدترین راه های ممکن، که در عمل به بحران اقتصادی ژرفش خواهد بخشید، برای تامین کسری بودجه اقدام می کند. استقراض از بانک مرکزی به مبلغ شش هزار میلیارد ریال سبب افزایش نرخ تورم و لاجرم گرانی سرسام آور می شود، و در عین حال کاستن از بودجه های عمرانی به معنی توقف بسیاری از طرح های تولیدی و صنعتی است که به ابعاد بیکاری اشکال فوق العاده فاجعه باری می دهد. این طرح همچنین، فشار اصلی را برگرد مردم، به ویژه کارگران و زحمتکشان وارد خواهد ساخت. حقوق بگیران و خانواده های آنها، یعنی میلیون ها خانوار کارگر و کارمند، قربانی سیاست های ضد ملی و مردم ستیز رژیم اند و این در حالی ست که اگر دولت و مجلس واقعاً خواستار راه حل قاطع، اصولی و موثر در جهت حل بحران بودند، می بایست ابتدا به سراغ ده ها بنیاد و نهاد غیر انتفاعی و عمومی که بسان زالو خون مردم را می مکند، می رفتند. هزینه های هنگفتی که برخی نهادهای ارتجاعی و کاملاً غیر ضرور و ناکارآمد، مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نهاد ولایت فقیه، بردوش دولت می گذارند باید در درجه نخست مورد بررسی قرار می گرفت.

برخی موسسات چپاولگر، مانند بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، بنیاد پانزده خرداد، کمیته امداد «امام خمینی» و غیره، سالیانه میلیاردها دلار درآمد دارند، ولی حسابی به کسی پس نمی دهند و حتی یک ریال نیز مالیات نمی پردازند. برای مقابله با بحران اقتصادی و در شرایط اضطراری تامین کسری بودجه، باید اول این نوع موسسات و بنیادها، که منبع فساد مالی در جامعه هستند، هدف شمرده شوند. طبق برآوردهای رسمی و معتبر، تنها پرداخت مالیات یک ساله از سوی شرکت های وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان بیش از یک سوم کسری بودجه کنونی دولت را تأمین می کند. در این باره روزنامه کار و کارگر در مطلبی خاطر نشان ساخت: «در نظر آورید که فعالیت های اقتصادی بنیادهای عمومی چون جامعه انام صادق، آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان و جانبازان و غیره به اندازه ای است که پرداخت تنها ۵ درصد مالیات بر درآمد آنها می تواند نظام مالیاتی و بودجه کشور را از دور خسته کننده کسری بودجه و تورم رها کند...»

اما دولت آقای خاتمی، به جای برخورد قاطع و جدی با این پدیده که سبب فقر همگانی در ایران شده است، سیاست «حفظ مصلحت نظام» را اتخاذ کرده است. خاتمی در برخورد با مشکلات اقتصادی بشدت از خود ناتوانی بروز می دهد. وی در مقابل قدرت نمائی باند رسالت - حجتیه در مجلس، هنگام تصویب لایحه اصلاح بودجه، سیاست «اختلافات را کنار بگذارید» را اعلام داشت. وی در جریان سفر به استان کرمانشاهان، طی سخنرانی در شهر سنقر کلیایی، تأکید کرد: «کشور در موقعیت حساسی به سر می برد و باید اختلافات را کنار بگذاریم... کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند همبستگی، تلاش و پیوستگی است.»

و معاون وی و رئیس سازمان برنامه و بودجه، که بهتر از هر کس دیگر اثرات تورم زای لایحه اصلاحی را می داند، به دروغ متوسل شده، می گوید: «استقراض از بانک مرکزی که به تصویب مجلس رسید افزایش نگران کننده تورم در جامعه را به دنبال نخواهد داشت.» !!! اما تاسف و شگفتی آنجاست که دولت، که بحران اقتصادی کنونی به طور عمده از دولت رفسنجانی و سیاست های ضد ملی این فرد به آن بارش رسیده است، راه حل منطقی، علمی و منطبق با منافع مردم ندارد. و بدتر آنکه، گام در همان راه یعنی پیروی از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی گذاشته است. سخنان اخیر نمازی، وزیر اقتصاد دولت خاتمی، در نشست سالیانه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نشان می دهد که، برخلاف وعده و وعیدهای انتخاباتی، استراتژی اقتصادی دولت جز از سیاست های پیشین با اندک تغییراتی چیزی دیگری نیست. نمازی در تعریف و سپاسگزاری از دو نهاد مالی امپریالیسم که دستورات آنها برای ملت های جهان سوم فقر و بدبختی به ارمغان آورده است، می گوید: «... خطر یک رکود عمده در فعالیتهای اقتصادی جهان افزایش یافته است. باید از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به خاطر کمک به کشورهای فقیر، شدیداً بدهکار و جوامع دچار اغتشاشات داخلی تقدیر کرد. این تلاش ها باید هر چه بیشتر تقویت و گسترش یابد.» وی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: «ما اقداماتی را به منظور تطبیق با واقعیت های جدید بازار اتخاذ کرده ایم. ایران قصد دارد برنامه های اصلاحی را که در اوت ۱۹۹۸ از سوی رئیس جمهور خاتمی اعلام شده، به اجرا درآورد...»

مجموعه جناح های حاکمیت واپس گرا، فاقد سیاست روشن، قاطع و مردمی در جهت مقابله با بحران اقتصادی هستند. این واقعیت، به تشدید رویارویی جناح های داخلی با یک دیگر، و نیز اعتلای مبارزه سراسری مردم برای طرد رژیم ولایت فقیه، منجر خواهد شد.

از اواسط شهریور ماه سال جاری، رسانه های همگانی درباره ابعاد گسترده بحران اقتصادی جمهوری اسلامی گزارش های مختلفی انتشار دادند. در این گزارش ها تأکید می شد که مشکل تقدینگی دولت آن چنان جدی است که اگر تصمیم قاطع و اصولی اتخاذ نشود، دولت در تامین هزینه های مهرماه خود - از جمله پرداخت دستمزد حقوق بگیران، کارگران و کارمندان - با دشواری روبه رو خواهد بود. در ارتباط با این مشکل، رئیس سازمان برنامه و بودجه صراحتاً تأکید کرده بود که چند وزارتخانه و نهاد، در شهریور ماه امسال، برای پرداخت حقوق کارکنان خود با مشکل مواجه بودند، وی هشدار داده بود که در صورت عدم ارائه راه حل برای جبران کسری بودجه، اکثر دستگاه های اداری در مهرماه پولی برای پرداخت حقوق کارکنان نخواهند داشت.

در چنین شرایطی، دولت متمم بودجه سال ۱۳۷۷ را پس از تدوین، با عنوان لایحه اصلاح قانون بودجه کل کشور، تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد. نجفی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، هنگام ارائه این لایحه به مجلس، با تأکید بر مشکل درآمدهای پیش بینی شده در قانون بودجه سال ۷۷ خورشیدی، یادآور شد: «... در شش ماهه اول امسال، تنها ۶۰ درصد از درآمدهای پیش بینی شده از محل فروش نفت تحقق پیدا کرده و این امر سایر درآمدها را تحت تأثیر قرار داده است... از نظر هزینه ها در نیمه نخست سال جاری حدود ۲۰ درصد از بودجه عمرانی و ۳۹ درصد از بودجه جاری را پرداخت کرده ایم. محاسبات انجام شده نشان می دهد که با حداکثر صرفه جویی های ممکن در ارتباط با هزینه ها و یا حداکثر خوش بینی نسبت به درآمدهای پیش بینی شده حدود نوزده هزار میلیارد ریال کسری بودجه خواهیم داشت، که باید تا پایان سال جاری تکلیف آن روشن شود...»

لایحه اصلاحی دولت برای جبران این نوزده میلیارد ریال کسری بودجه، پنج راه حل را در نظر گرفته بود، که عبارت بودند از:

الف - پیش فروش یک میلیارد دلار نفت؛ ب - فروش اوراق مشارکت؛ پ - پیش فروش حج تمتع به سیصد هزار نفر؛ ج - صرفه جویی سه هزار میلیارد ریالی از هزینه ها؛ ج - استقراض شش هزار میلیارد ریالی از بانک مرکزی.

رئیس سازمان برنامه و بودجه در توضیح دلایل چنین پیشنهادهایی اعلام کرد: «... سعی ما این بود که تورم ایجاد نشود. ما اعتقاد داریم پیش فروش اوراق مشارکت و پیش حج تمتع نه تنها موجب تورم نخواهد شد، بلکه محدودیت تقدینگی در جامعه و کاهش تورم را نیز به دنبال خواهد داشت.» وی همچنین متذکر شد که پیشنهاد های دولت برای تامین کسری بودجه راه های خوبی نیست، اما دولت مجبور به انتخاب آنها شده است. اکثریت نمایندگان مجلس و هیات رئیسه آن، که کاملاً وابسته به باند رسالت - حجتیه اند به طور هدفمند و با برنامه ریزی مشخص، ابتدا با لایحه اصلاحی دولت مخالفت کردند و سپس آن را تغییر داده و پیشنهاد جایگزین را، که عبارتست از طرح کمیسیون صنایع و معادن مجلس، به تصویب رساندند. در لایحه مجلس که نحوه تصویب آن نشانگر ماهیت فرمایشی مجلس و بی کفایتی ریاست آن است، اعلام می گردد که، کل کسری پیش بینی شده دولت در بودجه سال ۱۳۷۷ هفده هزار نفر و نصد میلیارد ریال برآورد می گردد، و مقرر شده که این مبلغ کسری از محل صرفه جویی در هزینه های شرکت های دولتی، پیش فروش نفت و استقراض خارجی، استقراض از بانک مرکزی، فروش اوراق مشارکت و پیش فروش فیش های حج تمتع تامین شود. استقراض خارجی در لایحه مذکور بالغ بر پنج هزار و نصد میلیارد ریال در نظر گرفته شده، و استقراض از بانک مرکزی جمهوری اسلامی نیز شش هزار میلیارد ریال خواهد بود. در جریان بحث و بررسی لایحه اصلاح بودجه، جناح های مختلف حکومتی در رویارویی با یکدیگر قرار گرفتند، و جناح رسالت - حجتیه به قدرت نمائی دست زد. نمایندگان وابسته به جناح رسالت - حجتیه، به سختی طرح دولت و برنامه های آن را مورد حمله قرار دادند. از جمله علی عباسپور، نماینده رژیم از تهران، دولت را به اتخاذ موضع انفعالی متهم ساخت و تأکید کرد: «... از چهار ماه قبل، از کسری بودجه مطلع بوده اند و کاری نکرده اند و اکنون شتابزده اقدام می کنند. و ما نمایندگان مجبور هستیم آشی را که کارشناسان برنامه و بودجه پخته اند، صرف کنیم... گفتنیان تمدن ها - منظور سخنان خاتمی ست - باید با قدرت اقتصادی و نظامی همراه باشد در غیر اینصورت این گفتنیان مانند صیبت های هاید پارک لندن خواهد بود.»

عباس عباسی، نماینده برگزیده رژیم از بندر عباس، که از زمره فشری ترین و ناآگاه ترین چهره های مجلس فرمایشی ست، نیز با محکوم کردن دولت، اظهار داشت: «... این لایحه، لایحه دولت، اصلاح بودجه را آتقدر بیجانده که شبیه نمایشگاه پیچک انحراف (نمایشگاهی که شکنجه گران وزارت اطلاعات بر ضد منتظری برپا داشته اند) شده است، پیش فروش نوبت حج کاری ناخوشایند و در واقع ظلم به مردم است.» در واکنش به این موضع گیری ها، هواداران خاتمی، از موضع بشدت ضعیفی برخوردار شدند. بطور نمونه، طاهر نژاد، نماینده رژیم از نوشهر، در این خصوص اعلام کرد: «جناح راست (رسالتی) از سوراخ کسری بودجه خرده حساب های جناحی خود را با دولت تصفیه می کند...»

ادامه شرکت در انتخابات شوراها ...

قانون شوراهای شهر و روستا، بسیاری از تصمیم گیری های مهم محلی، از جمله تعیین شهردار، و برخی مسئولیت ها که اکنون بر دوش شهرداری ها و یا استانداری ها است، بر عهده شوراهای گذاشته خواهد شد. بر اساس گزارش سخنگوی وزارت کشور، روستاهایی که زیر هزار و پانصد نفر سکنه داشته باشند، سه عضو برای شوراهای روستایی انتخاب خواهند کرد. بر اساس همین برآوردها، صد و پنج هزار عضو اصلی و هفتاد هزار عضو علی البدل شوراهای روستایی، از نزدیک به سی و پنج هزار روستای کشور، انتخاب خواهند شد. شهرهای با پنجاه هزار نفر سکنه، پنج نماینده، تا دو بیست هزار نفر سکنه هفت نماینده، تا یک میلیون نفر سکنه نه نماینده و بالای یک میلیون نفر یازده نماینده در شورای های شهری می توانند انتخاب خواهند کنند. شهر تهران نیز حق انتخاب پانزده نماینده را خواهند داشت.

نیروهای ارتجاعی از هم اکنون، تمام تلاش و امکانات خود را برای جلوگیری از برگزاری و یا تخریب روند انتخابات شوراهای شهر و روستا به کار گرفته اند. بر اساس گزارش رسانه های مجاز، باهنر، یکی از اعضای هیأت رئیسه مجلس و از نمایندگان سرشناس جناح راست رژیم، پیشنهاد کرده است که برگزاری انتخابات شوراها یک سال به تعویق افتد. بر اساس گزارش روزنامه همشهری، دلیل این پیشنهاد «خسته کننده بودن برگزاری دو انتخابات در ظرف چند ماه برای مردم و هزینه مالی آن» بوده است. نمایندگان جناح مقابل در مجلس، ضمن مخالفت با این درخواست، علت واقعی طرح این پیشنهاد از سوی جناح راست را زمینه سازی برای «اعمال نوعی نظارت مانند نظارت استصوابی شورای نگهبان» دانستند. بر اساس گزارش روزنامه همشهری، یکی از نمایندگان طرفدار خاتمی، در این باره گفت: «از هم اکنون روشن است که برای عضویت در شوراهای شهر و روستا صد ها هزار نفر دواطلب می شوند و عملاً امکان نظارت دلخواه جناح راست بر این انتخابات وجود ندارد. به همین علت نمایندگان این جناح بهترین راه دست یابی به هدفهای سیاسی خود را تعویق انتخابات می دانند.» (روزنامه همشهری، ۱۷ آبان ماه ۱۳۷۷).

تلاش دیگر جناح راست، قبضه کردن هیأت های نظارت بر انتخابات شوراها است. ماده ۵۳ قانون انتخابات شوراها، تعیین هیأت مرکزی نظارت را بر عهده مجلس شورای اسلامی گذاشته است. بر اساس این قانون، مجلس می باید برای هر استان سه نفر را به عنوان هیأت نظارت انتخاب کند. به عنوان نمونه، کسانی که اکنون برای شرکت در هیأت نظارت کل مرکزی نام نویسی کرده اند، از جمله شامل موحدی ساوجی، صالحی خوانساری، ابوترابی، موسوی اجاقی و راه چمنی هستند، که از این پنج نفر، چهار نفر از جناح راست و تنها یک نفر از طرفداران خاتمی است.

با وجود توطئه های گوناگون جناح راست، ابعاد عظیم شرکت مردمی در این انتخابات آن چنان خواهد بود که جناح راست نخواهد توانست خواست ها و امیال خود را کاملاً بر این انتخابات تحمیل کند. به نظر حزب توده ایران، شرکت در انتخابات شوراهای شهر و روستا، در شرایط کنونی، عرصه مهم مبارزه بر ضد رژیم استبدادی حاکم است، که باید با جدیت و برنامه ریزی دقیق به استقبال آن رفت. نامزدی وسیع نیروهای مترقی، از جمله توده ای ها، در این انتخابات، در شهرها و در صورت امکان در روستاهای مختلف، ضرورتی جدی است که می تواند در تعیین کیفیت و ماهیت این شوراها نقش مؤثر و تعیین کننده ای داشته باشد. انتخابات شوراهای شهر و روستا می تواند گام مهمی در مبارزه برای درهم کوبیدن انحصار نیروهای ارتجاعی بر تصمیم گیری در حیات سیاسی کشور و راهگشای تحولات مهم بعدی باشد. شرکت کارگران، زحمتکشان، جوانان و زنان به عنوان نامزدهای انتخاباتی این شوراها، نیز از اهمیت فوق العاده ئی برخوردار است. ارتجاع بی شک تلاش خواهد کرد تا در مناطق دور افتاده، و خصوصاً شماری از روستاها، با اتکاء به عقب ماندگی ساختاری جامعه روستایی کشور و با استفاده از حربه اعتقادات مذهبی مردم، کفه این شوراها را به نفع خود سنگین کند. ولی توان نیروهای ارتجاعی در شهرها، خصوصاً شهرهای مهم کشور، در این زمینه بسیار ضعیف تر است. انتخابات شوراهای شهر و روستا، همچنین می تواند آورد گاه مناسبی برای کار مشترک و مبارزه متحد نیروهای مترقی در مقابل نیروهای ارتجاعی باشد. اتحاد عمل همه نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه، و همه کسانی که در راه استقرار آزادی، عدالت اجتماعی مبارزه می کنند، می تواند نقش بسیار مؤثری در مبارزه استراتژیک طرد رژیم «ولایت فقیه» ایفاء کند.

انتخابات شوراهای شهر و روستا، همچنین می تواند کارزار مناسبی برای افشای ماهیت ارتجاعی و فاسد رژیم حاکم و نیروهای وابسته به آن باشد، و امکان فعالیت سیاسی بین وسیع ترین قشرهای توده ها را در سراسر کشور فراهم آورد. از این فرصت باید حداکثر بهره برداری را کرد. بردن آگاهی در بین توده ها، سیاسی کردن مبارزه صنفی، و ایجاد هسته های سازماندهی در گوشه و کنار کشور، از جمله وظایفی است که باید حداکثر توان را در خدمت تحقق آن به کار گرفت.

ادامه «افراد نابابی» به نام دانشجو ...

الما اگر دانشگاه ها را دایر کنیم و فارغ التحصیل های از دانشگاه ها داشته باشیم، اما خدای نکرده آنان دلشان با امام، انقلاب و اسلام نباشد چه فایده ای دارد.

«ولی فقیه»، نیز در هفته ای که گذشت، ضمن دیدار با دانشجویان و جوانان، از ضرورت نقش فعال آنان در مسائل کشور سخن گفت، و با تکرار ادعاهای مسخره رسانه های گروهی جمهوری اسلامی، انتخابات خبرگان را - که در آن بیش از بیست میلیون ایرانی، با وجود «تکلیف شرعی» که بر دوش آنان گذاشته شده بود، از شرکت در این نمایش فرمایشی خودداری کردند- پیروزی «بزرگ نظام اسلامی» دانست، و از نقش فعال جوانان و دانشجویان در حفظ این «نظام الهی» تشکر کرد. در هفته های اخیر، همچنین، بر اساس گزارش روزنامه های مجاز کشور، دیگر سران ارتجاع، در قم، نگرانی شدید خود را از ضدیت جوانان و دانشجویان با رژیم «ولایت فقیه» ابراز کردند. بر اساس گزارش روزنامه همشهری، شنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۷۷، وزیر آموزش و پرورش، در قم با «آیات عظام فاضل لنکرانی، بهجت، صافی گلپایگانی، شبیری زنجانی، مشکینی و مکارم شیرازی دیدار و گزارشی از برنامه های این وزارت خانه را ارائه کرد.» فاضل لنکرانی در این دیدار، ضمن اعتراف جالبی درباره مخالفت جوانان با رژیم، گفت: «علت وجود شبهات در بین جوانان اینست که آنها امام، جنگ و انقلاب را درک نکرده اند.» به عبارت روشن تر، جوانان ایرانی، از سیاست های ارتجاعی رژیم، از جمله جنگ طلبی بیزارند، به بانی رژیم «ولایت فقیه»، خمینی، بی اعتقاد و خواهان تعویض «نظام اسلامی» حاکم اند. مشکینی، امام جمعه قم و رئیس مجلس خبرگان و از رهبران سرشناس جناح حاکم، از این نیز فراتر رفته و خطاب به وزیر آموزش و پرورش می گوید: «تلاش شما باید این باشد که جوانان در این میان گمراه نشوند و وقتی به دانشگاه رسیدند با اسلام بیگانه نباشند.» مشکینی در همین سخنان افشاگرانه، ضمن اعتراف به اینکه در دانشگاه ها از «اسلام» خبری نیست و اکثر دانشجویان با «ولایت فقیه» مخالفتند، می گوید: «ما در دانشگاه ها چیزهایی می شنویم که گویا از اسلام در آنجا خبری نیست، ولایت فقیه جا نیفتاده است و افراد نابابی در آنجا وجود دارند، شما جوانان را برای حضور در چنین مکان هایی آماده کنید تا اعتقادات آنها از بین نرود.» مکارم شیرازی، نیز در سخنان مشابهی تأکید کرد: «من اعتراف می کنم که حوزه، آموزش و پرورش و آموزش عالی توانسته کاری بر روی جوانان انجام دهند.»

اعترافات جالب و افشاگرانه «آیات عظام» رژیم، نشانگر عمق تفر و بیزاری جوانان و دانشجویان از ادامه استبداد و افسردگی حاکم بر میهن ماست. محیط های آموزشی، به دلیل تماس نزدیک با علوم گوناگون، از جمله علوم اجتماعی، نمی توانند پذیرای نظرات و اندیشه هایی گردند که تلاش می کند ایران را صدها سال به عقب بازگرداند. بیهوده نیست که با وجود یورش های متعدد ارتجاع، در مقاطع گوناگون، از جمله بستن دانشگاه ها زیر لوی «انقلاب فرهنگی» پاکسازی های وسیع دانشجویان و استادان دگراندیش، سال ها سرکوب و اختناق، و مستقر کردن انواع و اقسام گروه های نظامی و نیمه نظامی در محیط های آموزشی، رژیم «ولایت فقیه» هنوز نتوانسته است دانشگاه های کشور را زیر نظارت خود در آورد. جنبش دانشجویی و جوانان در دهه های اخیر همواره نقش فعال و مؤثری در مبارزات رهایی بخش میهن ما ایفاء کرده است، و دوش به دوش کارگران و زحمتکشان در راه تحولات بنیادین و دموکراتیک رزمیده است. این جنبش خصوصاً در یک سال و نیم گذشته، با حضور فعال و چشمگیر در نهضت دوم خرداد که در آن بیش از بیست میلیون ایرانی، یک صدا دست رد بر سینه نمایندگی «ولی فقیه» و «آیات عظام» زدند، نشان داده است که از توان کیفی و کمی نیرومندی برخوردار است. وجود انجمن های مختلف صنفی در سراسر دانشگاه ها و دانشکده های کشور، محل مناسبی برای سازمان دهی مبارزه صنفی و سیاسی بر ضد رژیم است. ویژگی مهم جنبش دانشجویی در یک سال و نیم گذشته، سیاسی شدن این جنبش و شرکت فعال آن در مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی است. شعارهایی همچون «مرگ بر انحصار و استبداد» و «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، در محافل و تجمع های دانشجویی در ماه های اخیر از رشد کیفی مهم این جنبش و نقش ارزنده آن در مبارزه مردم ما در اوضاع کنونی حکایت می کند. امروز محیط های دانشجویی، مرکز مناسبی است برای ایجاد هسته های پیشرو جوانان و دانشجویان که بتوانند جنبش را از لحاظ سیاسی ارتقاء داده و مبارزه را حول شعارهای روشن و تعیین کننده ئی همچون طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی، عدالت اجتماعی و جامعه مدنی متمرکز کنند. شرکت فعال جنبش دانشجویی در اعتراض به نمایش فرمایشی انتخابات خبرگان و تحریم وسیع این انتخابات از سوی اکثریت قاطع جنبش دانشجویی و نهاد های مستقل دانشجویان، با وجود همه فشارهای موجود، از نقاط روشن و قوت جنبشی است که توجه به آن برای نیروهای انقلابی، از جمله توده ای ها از اهمیت ویژه ئی برخوردار است. حزب توده ایران در طول بیش از پنجاه و هفت سال نبرد بی امان بر ضد ارتجاع و استبداد، ضمن توجه خاص به جنبش دانشجویی کشور، همواره بر این اعتقاد بوده است که از پیوند جنبش های صنفی - اجتماعی و خصوصاً پیوند جنبش کارگران، زحمتکشان، دانشجویان و زنان است که می توان جنبش نیرومند اجتماعی ئی را برای تحقق تحولات بنیادین و دموکراتیک، در میهن ما، پایه ریزی کرد. تلاش در این راستا، مهم ترین وظیفه است که پیشرویی تمامی نیروهای آزادی خواه، دموکراتیک و ملی کشور ما قرار دارد.

موافقت نامه جدید اسرائیل و دولت خودمختار فلسطین

مساله بیت المقدس و حق فلسطین برای خودمختاری است. این توافق نامه از سوی محافل رادیکال خاورمیانه مورد انتقاد قرار گرفت. شیخ حسن نصراله، رهبر حزب اله لبنان، از فلسطینی ها خواست تا عرفات را به جرم امضاء موافقت نامه صلح با اسرائیل بکشند. او که در مراسمی در مخالفت با قرارداد صلح سخن می گفت، عرفات را خائن دانست، و از فلسطینی ها خواست که جهت بی اثر کردن موافقت نامه، حملات خود را به اسرائیلی ها افزایش دهند.

حمله انتحاری یک عضو جنبش اسلامی حماس به یک اتوبوس حامل دانش آموزان اسرائیلی، در روز هفت آبان ماه، نشانه مشکلات عرفات در متقاعد کردن مردم فلسطین به مفاد موافقت نامه است. مقامات فلسطینی، شیخ احمد یاسین، رهبر عقیدتی حماس، را در منزل خود تحت نظر گرفته اند. از سوی دیگر نیروهای صهیونیستی و راست افراطی در اسرائیل، خواستار شده اند که نتانیاهو موافقت نامه را باطل کند. سخنگوی صهیونیست های «حزب ملی مذهبی»، در عکس العمل به حمله انتحاری عضو حماس، گفت: «من از دولت می خواهم که از این واقعه نتیجه درست بگیرد و مانع از تحویل اراضی بیشتری شود که به عنوان پایگاه ترور مورد استفاده قرار بگیرد.»

پس از ماه ها بن بست در مذاکرات صلح خاورمیانه، و با میانجی گری بیل کلینتون و ملک حسین، عاقبت نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل و یاسر عرفات، رهبر فلسطین خودمختار، موافقت نامه ئی را در جهت پیشرفت روند سازش امضاء کردند. بر طبق موافقت نامه اسرائیل در ظرف دوازده هفته، مرحله به مرحله، نیروهای خود را از اراضی کرانه غربی رود اردن عقب کشیده، و این منطقه را تحویل فلسطینی ها خواهد داد. در مقابل، دولت خودمختار فلسطینی متعهد شده است که مانع حملات تروریستی به منافع اسرائیل بشود، و اقدامات امنیتی شدیدی را بر ضد فعالیت عناصر افراطی فلسطینی اتخاذ کند. بخشی از مفاد موافقت نامه سازمان سیا را مجاز می دارد که در ارتباط با اقدامات دولت خودمختار فلسطینی بر ضد گروه های رادیکال فلسطینی، نقش هماهنگ کننده ای داشته باشد. این در عمل به معنی نظارت سیا بر پلیس و نیروهای انتظامی فلسطینی است.

حسنى مبارك، رئيس جمهورى مصر، در روز ۳ آبان ماه، با عرفات ملاقات و درباره توافق نامه اخیر به گفتگو نشست. عمرو موسى، وزیر خارجه مصر، ضمن اظهار خشنودی از توافق، آن را قدمی مثبت قلمداد کرد: «این توافق قدمی صحیح در جهت بازپس گرفتن اراضی فلسطینی و مذاکره در مورد مسایل پایه ای، و در راس آن



یلتسین، دشمن شماره یک

تغییرات پر دامنه هفته های اخیر در روسیه را باید شکست کوشش های هفت ساله سرمایه داری جهانی برای نابود کردن تمامی دستاوردهای هفت دهه ساختمان سوسیالیسم در شوروی دانست. با اعلام خروج یلتسین از مسکو، برای استراحت در استراحتگاهی در حومه پایتخت. اما دوران پس از یلتسین عملاً شروع شده است. خروج عملی یلتسین از صحنه سیاسی روسیه را نباید فقط ناشی از وضعیت جسمانی او دانست. او مدت هاست که از سوی اکثریت مردم روسیه طرد شده است. یک نظرخواهی معتبر در اوایل آبان ماه نشان داد که هفتاد و پنج درصد مردم روسیه از اقدامات پارلمان برای برکنار کردن یلتسین دفاع می کنند. فقط شانزده درصد مردم روس از او حمایت کردند. در نظرخواهی دیگری که در پایان هفته اول آبان ماه توسط «مرکز تحقیق افکار عمومی سراسر روسیه» منتشر شد، فاش شد که میزان محبوبیت یلتسین به پائین ترین حد خود در سال های اخیر سقوط کرده است. بر طبق این نظرخواهی، نود و سه درصد مردم رضایت خود را از عملکرد ریاست جمهوری نشان دادند. فقط پنج درصد از او اظهار رضایت کردند.

یک تحلیل گر سیاسی مطلع گفت: «فشار در حال رشد است و یلتسین نمی تواند برای مدت طولانی تحمل کند... دیگر هیچ کس به او اطمینان ندارد، و به نظر می رسد که مردم به او همچون دشمن شماره یک می نگرند.»

بدنبال بحران اخیر روسیه و ورشکستگی اقتصادی کشور و عدم موافقت پارلمان با نخست وزیر و یکتور چرنومردین، ستاره بوریس یلتسین عملاً در حال افول بوده است. در هفته های اخیر، اکثر اختیارات او عملاً به نخست وزیر، پرمیاکوف، منتقل شده است. اولگ سیسویف، از مشاوران عالی رتبه یلتسین، گفت: «اوضاع سیاسی کشور عوض شده است... در گذشته رئیس جمهوری در هر عرصه ئی از امور جاری کشور دخالت می کرد.» سیسویف گفت که یلتسین قصد دارد که تا پایان دوران ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۰۰ در پست خود باقی بماند اما عملاً بسیاری از وظایف خود را به پارلمان و نخست وزیر سپارده. آندره بیونکوسکی، رئیس مرکز مطالعات استراتژیک، گفت: «در واقع دوران یلتسین از هم اکنون به پایان رسیده است. پرمیاکوف در حال حاضر در مقام ریاست جمهوری عمل می کند... با کنار کشیدن، و اجازه دادن به پرمیاکوف برای دست گرفتن بیشتر وظایف او، یلتسین فشار مستقیم بر خودش را برای استعفا، کاهش داده است. او ممکن است به عنوان یک رئیس جمهوری تشریفاتی باقی بماند.»

ترکیه و خط لوله نفت دریای خزر

سالگرد جمهوری ترکیه حاضر بود و با روسای جمهوری کشورهای امضاء کننده بیانیه فوق الذکر، ملاقات کرد. مقامات رسمی ایالات متحده و ترکیه، بر سر اعطاء یک سری اعطاء بآدمش های مالی و مالیاتی - در صورتی که کنسرسیوم شرکت های نفتی از مسیر دلخواه ترکیه حمایت کنند- توافق کرده اند. نماینده ایالات متحده، ریچارد استار، گفت: «من مطلعم که دولت ترکیه در مورد تخفیف های مالیاتی، سرمایه گذاری و کاهش تعرفه گمرکی خیلی جدی صحبت می کند. اینها وقتی که کنار هم گذاشته شوند، پروژه را قابل قبول می کند.» خط لوله از مسیر ترکیه غیر اقتصادی ترین انتخاب است. ایالات متحده و ارتجاع منطقه شدیداً با عبور خط لوله از مسیر ایران، که عملی ترین و اقتصادی ترین راه است، مخالف اند. در آبان ماه، یک کنسرسیوم متشکل از دوازده شرکت نفتی، به رهبری بریتیش پترولیوم و آموکو، نظر خود را در این مورد که چه مسیری برای صدور نفت از باکو به اروپا انتخاب شود، اعلام خواهد کرد.

دولت ترکیه تلاش های سرسختانه خود را جهت جلب نظر مساعد برای عبور خط لوله نفت منطقه دریا خزر از خاک این کشور، تشدید کرده است. رهبران ترکیه، جشن های هفتاد و پنجمین سالگرد اعلام جمهوری در این کشور را، که در روز هفت آبان ماه برگزار شد به سکوتی برای جلب حمایت کشورهای ذینفع در این پروژه تبدیل کردند. جهت شرکت در این مراسم، حیدر علی اوف، رئیس جمهوری آذربایجان، که منابع قابل توجه نفتی آن به خط لوله ئی برای صدور به بازارهای اروپا نیاز دارد، در کنار فاروق لقاری، رئیس جمهوری پاکستان و عزیر وایزمن، رئیس جمهوری اسرائیل، قرار گرفت و محور هماهنگ و پرنفوذ امپریالیسم را در منطقه و در همسایگی کشورمان به نمایش گذاردند.

روسای جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، گرجستان و ترکیه در حمایت از پروژه خط لوله از باکو، پایتخت آذربایجان، به بندر جیهان، در کرانه مدیترانه در ترکیه، بیانیه ئی صادر کردند. بیل ریچاردسون، وزیر انرژی ایالات متحده، نیز در مراسم جشن هفتاد و پنجمین

بازگشت به قدرت!

با توافق بر سر تشکیل یک دولت ائتلافی در ایالت مکلنبورگ و ریومرن در شرق آلمان، حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان (حزب سوسیالیست متحده سابق آلمان) برای اولین بار در دهه نود میلادی به دولت محلی وارد خواهد شد. هرالد رینگستورف، کاندیدای حزب سوسیال دموکرات، که به عنوان نخست وزیر ایالتی این ایالت انتخاب شده، گفت که این تحول منعکس کننده واقعیت سیاسی ایالت های شرقی آلمان است که در بسیاری از آنها حزب سوسیالیسم دموکراتیک (پ.د.اس) نیروئی عمده محسوب می شود.

او گفت: «اکنون مقداری صداقت به صحنه سیاست آلمان بازگشته است... محافظه کاران دموکرات مسیحی توافق به تشکیل دولت ائتلافی را «روز سیاه دموکراسی!!» نامیدند. کمیته ایالتی حزب سوسیال دموکرات در مکلنبورگ فورومن، با رای شصت و سه به بیست و دو، تصمیم به حمایت از دولت ائتلافی گرفت. رای حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان در این ارتباط صد رأی موافق در مقابل شش رأی مخالف بود. حزب سوسیالیسم دموکراتیک که در بسیاری از ایالت های شرق آلمان از نظر محبوبیت دومین حزب است، حمایت ضمنی خود را به تشکیل دولت ایالتی در ساکسن آنهالت ابراز داشته است. در مقاله ای در مجله دست راستی «اشپیگل» عده ای از مهره های برجسته حزب سوسیال دموکرات به توافق بر سر دولت ائتلافی، حمله کردند.

خجسته باد سالگرد انقلاب کبیر اکتبر، سر فصل رهایی انسان!

مناسبات بین المللی به سود خلق های جهان بود. دستاوردهای انسانی انقلاب سوسیالیستی، نه فقط در بسیج میلیون ها کارگر و زحمتکش برای ساختمان سوسیالیسم در کشور شوراها و پس از آن در سایر کشورهای اروپای شرقی نقش مؤثر داشت، بلکه مستقیماً بر زندگی مردم در سرتاسر جهان سرمایه داری تأثیر گذاشت. برنامه های مهمی همچون بهداشت رایگان، آموزش رایگان، تأمین اجتماعی، حقوق کارگران، برابری زنان... در صدر مسایل اجتماعی این کشورها قرار گرفت، و زیر فشار توده ها و بر خلاف میل سرمایه داری، به نظام آن تحمیل شد. در بسیاری از کشورهای اروپایی، جنبش کارگری ملهم از انقلاب اکتبر، بورژوازی حاکم در بسیاری از این کشورها را وادار کرد تا در مقابل جنبش سندیکایی کارگران عقب نشینی کند، و اصلاح های سوسیال دموکراتیک را بپذیرد. امری که در حقیقت بدون پیروزی انقلاب اکتبر و تأثیر نیروی مادی اردوگاه سوسیالیسم، امکان پذیر نبود.

در کشورهای آسیا و آفریقا، زحمتکشان از مشاهده امکان پایه گذاری جامعه نی فارغ از استثمار و بی عدالتی، مبارزه در جهت تغییرات سوسیالیستی در جوامع خود را تشدید کردند. برخی از این کشورها در گسستن از زنجیره تسلط سرمایه داری، سمت گیری سوسیالیستی را برگزیدند. مردم مینن ما هیچ فراموش نخواهند کرد که پیروزی انقلاب اکتبر، نقشه استعمارگران انگلیسی را دایر بر تبدیل ایران به مستعمره تمام عیار بریتانیا، باطل ساخت، استقلال سیاسی کشور ما را احیاء کرد و مردم ایران را از قید انواع قراردادهای استعماری رهایی بخشید. دولت سوسیالیستی نواخته، در یکی از نخستین فرمان های خود، حق حاکمیت ایران را به رسمیت شناخت، و قراردادهای تحمیل شده از سوی دولت تزاری را که ناقض حق حاکمیت و استقلال کشورمان بود به طور یک جانبه ملغی کرد.

تأثیرات جهانی انقلاب اکتبر، در کشور ما، با اوج قیام های ترقی خواهانه در خراسان، مازندران، گیلان و آذربایجان نمود پیدا کرد. جنبش سندیکایی و سیاسی در کشور گسترش بی سابقه یافت. انقلاب اکتبر الهام بخش طبقه کارگر و زحمتکشان کشورمان گردید.

بسیاری از اندیشمندان ترقی خواه کشورمان در رابطه با آن سخن گفته و مطلب نگاشته و شعر سروده اند.

با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر، اندیشه های مترقی و پیشرو به مینن ما راه یافت. پیدایش احزاب و گروه های سوسیال دموکرات، حزب عدالت، حزب کمونیست و سپس حزب توده ایران، از تأثیرات معنوی انقلاب کبیر اکتبر در جامعه ما بود. افشاندن بذر اندیشه های انسانی پیرامون عدالت اجتماعی و آزادی، جنبش های عظیمی را در راه دستیابی به این خواست ها سازماندهی کرد.

شکست تجربه ساختمان سوسیالیسم در شوروی و کشورهای اروپای شرقی، به هیچ روی از اهمیت تاریخی انقلاب اکتبر نمی کاهد. اکتبر گامی طولانی در مسیری بغرنج است، که از کمون پاریس آغاز شده و به سلطه سوسیالیسم در جهان ختم خواهد شد. کاستی ها و خطاهایی که در روند ساختمان سوسیالیسم اتفاق افتادند، هیچ وجه مشترکی با ماهیت سوسیالیسم به عنوان انسانی ترین نظام اجتماعی ندارد. کژی ها و کاستی ها نه سبب ناتوانی سوسیالیسم، بلکه به دلیل شرایط دشوار و بهره برداری نابسنده از آن بوده است. تجربه زندگی این حقیقت را می آموزد که هیچ انقلابی راه مستقیم و سراسر است در پیش نداشته است. انقلاب که توسط انسان ها ساخته می شود، در جریان تحول خود، از این مردم و ضعف ها و قدرت های آنان تأثیر می پذیرد. اما آنچه اهمیت حیاتی دارد درس گیری از تجربه انقلاب اکتبر و بکارگیری این درس ها در سازماندهی مبارزه برای تغییر سوسیالیستی جهان است.

روز ۷ نوامبر (۱۶ آبان ماه)، مصادف با هشتاد و یکمین سالگرد انقلاب اکتبر، در روسیه تزاری، به رهبری ولادیمیر ایلچ لنین است. انقلاب اکتبر به دلیل دستاوردهای مشخص و مهم آن جایگاهی ویژه در تقویم مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان جهان دارد. اهمیت اکتبر در این است که سرآغاز دگرگونی های ژرف انقلابی و بازگشت ناپذیر در روند تحول قانونمند جامعه انسانی شد. انقلاب اکتبر حاصل کار عظیم نظری، تبلیغاتی و سازمانی لنین بود. لنین در تدوین استراتژی انقلاب در روسیه، از مجموعه بنیان های نظری علمی سراسر تاریخ بشری بهره گرفت، و به نوبه خود مارکسیسم را بر پایه تجربه تدارک انقلاب روسیه غنی و متحول ساخت. پیروزی انقلاب اکتبر برجستگی نقش آگاهانه، انقلابی و بی بدیل حزب کمونیست را به عنوان حزب پیشاهنگ در تدارک تحولات سوسیالیستی، ثابت کرد. پیروزی انقلاب اکتبر و تشکیل دولت شوراها سرآغاز دوران تاریخی نوین، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم بود. انقلاب اکتبر مجموعه جامعه بشری را در مرزهای تاریخی نوینی قرار داد. پیروزی انقلاب اکتبر، سوسیالیسم را برای زحمتکشان جهان از یک آرمان به یک عینیت بدل کرد، و وفق تازه ای در برابر بشریت گشود.

انقلاب دوران ساز اکتبر، تاریخ بشریت را عمیقاً دگرگون ساخت، و فصل نوینی را در جنبش های ضد استعماری، رهایی بخش دموکراتیک و انقلابی در جهان گشود. گسترده گی آثار و تبعات انقلاب اکتبر را، چه از دستاوردهای هفت دهه حیات جمهوری شوروی سوسیالیستی و چه با مشاهده عواقب دردناک و اسف بار سلطه سرمایه داری، در نزدیک به یک دهه که از برهه شکست تجربه مشخص ساختمان سوسیالیسم در شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی شرق اروپا می گذرد، می توان به وضوح نتیجه گرفت.

زحمتکشان جهان هشتاد و یکمین سالگرد انقلاب اکتبر را در شرایطی جشن می گیرند که خود به عینه شاهد آثار بحران همه جانبه جهان و رکود سرمایه داری اند. هرج و مرج سیستم مالی بین المللی در چند ماهه اخیر، این حقیقت را نشان داده است که کاپیتالیسم به دلیل ماهیت خود از نظارت بر قدرت تولیدی خود عاجز است.

سرمایه داری جهانی، برای غلبه بر بحران خود، کمر به نابود کردن حقوق و دستاوردهای زحمتکشان بسته است. نه فقط در کشورهای سرمایه داری، بلکه در اکثر کشورهای سوسیالیستی سابق، زحمتکشان برپایه تجربه خود به این اعتقاد رسیده اند که آینده کارگران و زحمتکشان در سوسیالیسم نهفته است.

در ظرف کمتر از دهه سالی که از سقوط نظام سوسیالیستی در کشورهای شرق اروپا می گذرد، بهداشت، آموزش، اشتغال و دیگر حقوق زحمتکشان، که در طول سالیان متمادی مبارزه به دست آورده بودند، تحت نام سیاست های نولیبرالی نابود شده است. این سیاست که هدفی جز طولانی تر کردن سلطه بورژوازی ندارد، بیکاری، عدم برابری در کسب ثروت، جنایات و نابسانمانی محیط زیست را تشدید کرده، و بحران سیستم سرمایه داری را عمیق و عمیق تر می کند. کاپیتالیسم عملاً در تله خود ساخته گیر افتاده است. سیاست مالی تحمیل شده از طرف صندوق بین المللی پول، در مقابله با مبارزه خلق ها، عملاً شکست خورده است. پیروزی های درخشان کارگران در کشورهای سرمایه داری، شکست ارتجاعی ترین محافظه کار در اروپا، و مبارزه بغرنج و همه جانبه زحمتکشان روسیه برای برچیدن بساط حکومت مافیای حاکم به رهبری یلتسین، و برگرداندن جهت تحولات، همگی در راستای حقانیت اکتبر جریان دارند.

بر رغم عقب گردهای مشخص و دردناکی که جنبش کارگری جهانی در پانزده ساله اخیر متحمل شده است، حتی بدبین ترین تحلیل گران سیاسی جهان سرمایه داری، به چشم پوشیدن بر تبعات انقلاب اکتبر قادر نیستند. گرافه نگفته ایم اگر بگوئیم که اکثر تاریخ نویسان، جامعه شناسان و محققان در این امر متفق القول هستند که اکتبر سرآغاز عصری بود که اثرات آن تا به امروز نقش عظیمی در حرکت و تکامل جامعه بشری ایفاء کرده است. انقلاب اکتبر و تحولات ناشی از آن، گشاینده فصل کیفیتا نوینی در

کمک های مالی رسیده از طرف سهیلا ۱۰۰ مارک
به یاد آزاد وطن ۱۰۰ مارک

10 November 1998

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
- ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:544
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm